

کفاش بخارایی از روزگار صنعت چرم برای ما روایت می کند

چرخه روزگار دباغی



راه تجربه



آهک دهی در دباغی دستی

آنچه امروز در کارخانه ها با مخزن های بزرگ، مواد شیمیایی دقیق و دستگاه های کنترل شده انجام می شود، در دباغ خانه های قدیم با حوض و دست و تجربه پیش می رفت. سید مهدی کفاش بخارایی در توضیح آماده سازی پوست ها، از مرحله آهک دهی شروع می کند که بسیاری از کارگران دباغ خانه با آن سروکار داشتند.

به گفته او ابتدا به پوست آهک می زدند و آن را داخل حوض های سنگی می خوابانند. این کار کمک می کرد موهای روی پوست سست شود و مواد اضافی و بافت های زائد جدا شوند. این مرحله هم زمان می خواست و هم مراقبت. دباغی سنتی بیش از هر چیز به زمان شناسی و مهارت استادکار وابسته بود. اینکه پوست چقدر بماند، چه وقت برگردانده شود و چه زمان از حوض بیرون بیاید. پس از آهک دهی، نوبت به یکی از دشوارترین کارهای دباغی دستی می رسید: تراشیدن. کفاش بخارایی می گوید پوست را با ابزاری شبیه شمشیری تراشیدند؛ استادکار پوست را روی سطحی مخصوص می گذاشت و با دقت تراش می داد تا باقی مانده موها، چربی ها و لایه های اضافی جدا و پوست برای ادامه مراحل آماده شود. او به خاطر می آورد که بعضی کارگرها از صبح تا غروب، ده جلد پوست را با همین روش آماده می کردند.

حمیده صفائی ادر روزگاری که هنوز خبری از چرم های صنعتی و مصنوعی و کارخانه های بزرگ نبود، بوی پوست و دباغی تازه را می شد در بعضی کوچه پس کوچه های مشهد دنبال کرد؛ جایی که تولید چرم نه فقط در کارخانه ها، که در کارگاه های کوچک و به دست مردم اتفاق می افتاد. سید مهدی کفاش بخارایی، متولد ۱۳۳۰، که این روزها کارهای هنری چرمی متفاوتی را به نمایش می گذارد. از آن روزگار خاطرات بسیاری دارد؛ روزهایی که پدرش یکی از چرم فروشان شناخته شده مشهد بود و در وقت و آمد مشتریان و اهل این حرفه، بخشی از زندگی روزمره خانواده به شمار می آمد.

بازار چرم؛ مدرسه ای که از کودکی شروع می شد

سید مهدی کفاش بخارایی، ساکن محله سجاد، از نسل آدم هایی است که کارانه در کلاس و دوره، که در تماشای دست های پدر و شنیدن حرف های مشتری ها یاد گرفته است. او در دوران نوجوانی و جوانی اغلب کنار پدرش بود. برای همین طی رفت و آمد مداوم خریداران چرم و کفاش ها با کیفیت پوست، نرمی چرم، رنگ دباغی آشنا شده بود. آقا سید مهدی می گوید: مشهد در آن سال ها، بیشتر به دباغی سنتی و تولید پوست های سبک شناخته می شد؛ اما برای تأمین بخش مهمی از چرم مورد نیاز بازار، به چرم تهران و تبریز هم وابسته بود؛ شهرهایی که در آن زمان هم به تولید و هم به تجارت گسترده تر در حوزه کار چرم شهرت داشتند.

از کفاشی پدر بزرگ تا چرم فروشی پدر

پیوند خانواده کفاش بخارایی با چرم، فقط در فروش خلاصه نمی شود. پدر بزرگ سید مهدی سال ها کفاش بود؛ از همان کفاش هایی که بوی چسب و چرم و واکس، نشان کارگاهشان بود. پدر بزرگ از همین راه زندگی را می چرخاند؛ اما بعدها تصمیم گرفت تولید را کنار بگذارد و به چرم فروشی روی بیاورد. تصمیمی که مسیر خانواده را از کارگاه دوخت و دو ز کفاش، به دنیای خرید و فروش چرم و شناخت این بازار تغییر داد و در همین مسیر ماند و پدرش هم در ادامه همین مسیر، راه پدر بزرگش را ادامه داد. کفاش بخارایی وقتی از چرم آن سال ها حرف می زند، اول سراغ پوست های رایج می رود. به گفته او، چرم های گوسفندی و بزنی بیشترین سهم را در بازار داشتند. دلیلش هم روشن بود؛ این پوست ها در دسترس تر بودند و دباغی شان با امکانات سنتی راحت تر از پوست های ضخیم تر انجام می شد. او تأکید می کند: آن زمان خبری از چرم های مصنوعی به شکل امروزی نبود؛ نه این همه تنوع و ورق های صنعتی وجود داشت، نه این حجم از کالاهایی که ظاهرشان شبیه چرم است اما جنس دیگری دارند. با این حال فقط یک محصول بین مردم با چرم مصنوعی شناخته شده بود؛ کفش هایی به نام گالش که برای بسیاری از مردم یک انتخاب اقتصادی و کاربردی بود و در ذهن بازار آن دوره، چیزی شبیه جایگزین چرم طبیعی به حساب می آمد.

از مواد طبیعی تا شیمیایی؛ تغییر آرام

سید مهدی کفاش بخارایی معتقد است صنعت چرم در سال های اخیر دگرگون شده. اگر در گذشته، بخش مهمی از فرایند با مواد طبیعی و گیاهی پیش می رفت و تجربه استادکار تعیین کننده بود. امروز مواد شیمیایی و روش های صنعتی، نقش پررنگ تری دارند. او توضیح می دهد که بعد از جدا شدن موها، حفره های باقی مانده در پوست با مواد مخصوص پرمی شود و بعد برای افزایش نرمی و دوام، روغن کاری انجام می گیرد. این تغییر فقط در مواد نیست؛ ابزارها هم عوض شده اند. بسیاری از کارهای سنگین دستی، جای خود را به دستگاه هایی داده اند که هم سرعت را افزایش می دهد و هم بهداشت را بهتر می کنند. دباغ خانه های قدیم، پر از آب، بخار، بو و تماس مستقیم دست با مواد بود.

از بازار کیف و کفش تا تجارت چرم

سید مهدی پس از پایان خدمت سربازی در سال ۱۳۵۳ وارد بازار کار شد. ابتدا محدود و یک سال در حوزه فروش کیف و کفش فعالیت کرد؛ تجربه ای که به او کمک کرد سلیقه مشتری را بهتر بشناسد و بفهمد چرم در نهایت چگونه به کالا تبدیل می شود. اما در نهایت، راه خانواده را ادامه داد و به تجارت چرم روی آورد؛ بازاری که از کودکی در آن نفس کشیده بود و بزانش را بلبل بود.

او می گوید دنیای چرم مثل هر بازار دیگری فرازونشیب دارد. یک روز جنس خوب کم می شود، یک روز قیمت ها بالا می رود. یک روز مُد تغییر می کند. اما چیزی که در تمام این سال ها ثابت مانده، ارزش چرم طبیعی است؛ چرمی که اگر خوب دباغی شده باشد، هم دوام دارد و هم گذشت زمان به آن شخصیت می دهد.

چرم طبیعی ارزشمند است

کفاش بخارایی امروز هم خاطره آن روزهای شلوغ بازار چرم مشهد را با خود دارد و هم تجربه روزگار جدید را. وقتی از تفاوت دیروز و امروز حرف می زند، از تغییر شیوه های تولید می گوید: چرم طبیعی هنوز جایگاه خودش را حفظ کرده؛ نه فقط به خاطر دوام، بلکه به خاطر حس و کیفیتی که جایگزین کامل ندارد. او ادامه می دهد: روزگاری مردم از چرم بز، گوسفند و گاو استفاده می کردند. اما حالا با پوست همه حیوانات وسیله می سازند و همین تنوع پوست باعث تنوع کالا و چرم شده است. او حالا علاوه بر تجربه بازار، کارهای هنری چرمی متفاوتی را در مغازه اش به نمایش می گذارد که برخی از آن ها هنر دست خودش است.



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرام